

### مفهوم‌شناسی

عبارت «برداشت یا روش تفسیر علمی» از سه واژه تشکیل شده است، واژه «روش (= برداشت)» به معنای استفاده از منبع خاص در تفسیر است که معانی و مقصود آیه را روشن ساخته و نتایج مشخصی را بدست می‌دهد. در مورد واژه «تفسیر»، تعریف‌های گوناگون ارائه شده<sup>1</sup> که حاصل آنها چنین است: «پرده برداری از ابهامات کلمه‌ها و جمله‌های قرآن و توضیح مقاصد آنها.» و مقصود از «علم» در عنوان مقاله «علوم تجربی»<sup>2</sup> است که به دو شاخه علوم طبیعی<sup>3</sup> (همچون: فیزیک، پزشکی، کیهان‌شناسی و...) و علوم انسانی<sup>4</sup> (همچون جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و...) تقسیم می‌شود.

اما صاحب‌نظران تعریف‌های متعددی در مورد تفسیر علمی ارائه کرده‌اند که به برخی آنها اشاره می‌کنیم:

دکتر ذهبی در مورد تعریف تفسیر علمی می‌نویسد:

«مقصود ما از تفسیر علمی، آن تفسیری است که اصطلاحات علمی را بر عبارات قرآن حاکم می‌کند و تلاش می‌نماید تا علوم مختلف و نظریات فلسفی را، از قرآن استخراج سازد»<sup>5</sup>. البته ایشان تفسیر علمی را اعم از تفسیر فلسفی دانسته است. در حالی که بنابر تعریف مشهور این دو روش تفسیری از هم جداست. و در این جا علوم تجربی در برابر علوم عقلی (مثل فلسفه) مقصود است.

و نیز ایشان به دو قسم از تفسیر علمی یعنی «تحمیل نظریه‌ها بر قرآن» و «استخراج علوم از قرآن» اشاره کرده است. در حالی که در ادامه خواهیم گفت که قسم سومی از تفسیر علمی نیز وجود دارد که همان «استخدام علوم در فهم قرآن» است.

و آقای امین الخولی در مورد تعریف تفسیر علمی می‌نویسد:

«آن تفسیری است که طرفداران آن اقدام به استخراج همه علوم قدیم و جدید از قرآن می‌کنند. و قرآن را میدان وسیعی از علوم فلسفی، انسانی در زمینه پزشکی، کیهان‌شناسی و فنون مختلف... می‌دانند. و اصطلاحات علمی را بر قرآن حاکم می‌کنند و می‌کوشند که این علوم را استخراج کنند»<sup>6</sup>.

این تعریف نیز به دو قسم تفسیر علمی یعنی استخراج علوم از قرآن و تحمیل نظریات بر قرآن اشاره کرده است و اما به قسم سوم یعنی استخدام علوم در فهم قرآن اشاره نکرده است.

آقای راترود ویلانت، نیز در دائره المعارف قرآن لیدن در مقاله «تفسیر قرآن در دوره جدید»، در تعریف تفسیر علمی بر استخراج از قرآن تاکید می‌کند و می‌نویسد:

«تفسیر علمی باید در پرتو این فرض درک شود که تمام انواع یافته‌ها (دستاوردهای) علوم طبیعی جدید در قرآن پیش بینی شده است و اینکه قرائن و شواهد روشن زیادی نسبت به آنها در آیات قرآن می‌توان کشف نمود یافته‌های علمی از کیهان‌شناسی کوپرنیکی گرفته تا خواص الکتریسته و از نظم و ترتیب انفعالات شیمیایی تا عوامل امراض عفونتی همه از پیش در قرآن مورد تایید قرار گرفته است.»<sup>7</sup>

عبدالرحمن العک تفسیر علمی را این گونه تعریف می‌کند:

«این تفسیر در اصل برای شرح و توضیح اشارات قرآنی است که به عظمت آفرینش الهی و تدبیر بزرگ و تقدیر او اشاره دارد.»<sup>8</sup>

البته این تعریف تا حدودی به مقصود اصلی تفسیر علمی نزدیک شده است. و از تعریف آن به صورت استخراج و تحمیل دوری گزیده است.

ولی در این تعریف روشن نشده که علوم قطعی یا نظریه‌های ظنی در تفسیر علمی استفاده خواهد شد.

آقای دکتر فهد رومی در تعریف تفسیر علمی می‌نویسد:

«مراد از تفسیر علمی اجتهاد مفسر در کشف ارتباط بین آیات وجودی قرآن کریم و اکتشافات علم تجربی است به طوری که اعجاز قرآن آشکار شود و ثابت گردد که آن (از طرف خدا) صادر شده و صلاحیت برای همه زمان‌ها و مکان‌ها دارد.»<sup>9</sup>

آقای دکتر رفیعی نیز پس از بیان تعریف‌های مختلف و نقد و بررسی آنها تعریف فوق را مناسب‌تر معرفی می‌کند.<sup>10</sup>

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که روش تفسیر علمی قرآن دارای گونه‌ها و اقسام مختلف است که بر اساس آنها تعریف‌های متفاوتی از آن ارائه شده است، گاهی با عنوان استخراج علوم از قرآن و گاهی با عنوان تحمیل مطالب علمی بر قرآن از آن یاد شده است. اما مقصود ما در این نوشتار همان «استخدام علوم در فهم بهتر آیات قرآن است یعنی منبع علوم تجربی قطعی، به عنوان ابزاری برای تفسیر و توضیح اشارات علمی آیات قرآن در آید، و در این راستا تمام معیارها و ضوابط تفسیر صحیح رعایت شود و هیچ تحمیل یا استخراجی صورت نپذیرد.»<sup>11</sup>

زمینه‌ها و انگیزه‌های پیدایش تفسیر علمی و علل رشد آن

خورشید اسلام، در سرزمین عربستان طلوع کرد و اعراب آن سرزمین را - که تعداد افراد با سواد آنها، از تعداد انگشتان تجاوز نمی‌کرد 12 به علم و دانش دعوت کرد و قرآن را، به عنوان معجزه معرفی نمود. 13

قرآن با دعوت به تفکر و تعمق در آیات الهی، خلقت آسمان‌ها، زمین 14 و... مردم را از خواب جهل و غفلت بیدار کرد. مسلمانان که با فتوحات عظیم در قرن اول هجری، به سرزمین‌های تازه‌ای دست یافته بودند، هر روز با افکار نو و ادیان دیگری آشنا می‌شدند. با فروکش کردن نسبی جنگ‌ها، تبادل فرهنگی بین اسلام، ادیان و تمدن‌های ایران، روم و یونان آغاز شد و ترجمه آثار دیگر ملل، در دوره هارون الرشید و مأمون شدت گرفت. 15

مسلمانان علمی مانند: طب، ریاضیات، نجوم، علوم طبیعی و فلسفه را از یونان گرفتند و مطالب زیادی، به آن‌ها اضافه کردند و در طی چند قرن، خود را به اوج قله دانش رساندند، چنان که مسلمانان در قرن سوم و چهارم هجری، بهترین کتاب‌ها را در زمینه طب (مانند قانون بوعلی سینا)، در زمینه فلسفه (مانند شفای بوعلی سینا)، ریاضیات و نجوم نگاشتند.

باری ترجمه و تألیف آثار غیر مسلمانان، در زمینه علوم مختلف، و انتقال آنها به کشور پهناور اسلامی موجب شد تا تعارضاتی بین ظاهر بعضی آیات قرآن و علوم جدید به نظر آید.

دانشمندان مسلمان، در همان قرن‌های اولیه اسلام، در تلاش برای رفع این معضل، دو طریق را انتخاب کردند که به این شرح است:

الف) رد مطالب باطل این علوم که برای آگاهی مردم و ارشاد آنان صورت می‌گرفت؛ زیرا بسیاری از مبانی فلسفی و علمی یونان، قابل خدشه و اشکال بود و از طرفی با دین اسلام هم به معارضه برخاسته بود؛ بر این اساس، کتاب‌هایی مانند: تهافت الفلاسفه (تألیف ابو حامد غزالی) و مفاتیح الغیب (تألیف فخر رازی) نوشته شد.

ب) انطباق آیات قرآن، با علوم تجربی یونان، تا به مردم ثابت کنند که قرآن بر حق و مطالب علمی آن صحیح است؛ از این رو، آیاتی از قرآن، مانند آسمان‌های هفتگانه «سَبْعَ سَمَاوَاتٍ» (بقره 29) را بر سیارات هفتگانه که در نجوم یونانی، اثبات شده بود حمل کردند. و از این‌جا بود که روش تفسیر علمی پدید آمد و رشد کرد. اما این شیوه تفسیر که همواره با جذابیت خاصی برای جوانان و افراد تحصیل کرده همراه بود در طول تاریخ به صورت یکنواخت رشد نکرده است؛ بلکه گاهی تحت تأثیر عواملی اوج گرفته و بعضی اوقات رونق خود را از دست داده است.

این شیوه تفسیر به طور عمده سه دوره داشته است:

دوره نخست از حدود قرن دوم هجری تا حدود قرن پنجم بود<sup>16</sup> که با ترجمه آثار یونانی به عربی آغاز شد و بعضی مسلمانان، سعی کردند آیات قرآن را، با هیئت بطلمیوسی تطبیق کنند (مانند بوعلی سینا). نمونه‌های مکتوب تفسیر علمی در آثار بوعلی سینا (428-370 ق) یافت می‌شود. دوره دوم از حدود قرن ششم، شروع شد؛ هنگامی که بعضی دانشمندان به این نظریه متمایل شدند که همه علوم در قرآن وجود دارد و می‌توان علوم مختلف را، از قرآن کریم استخراج کرد (در این مورد غزالی سر آمد بود). این دو نوع از تفسیر علمی (تطبیق قرآن با علوم و استخراج علوم از قرآن) قرن‌ها، ادامه داشت و هر زمان دانشمندان مسلمان، به موافقت یا مخالفت با آن می‌پرداختند.<sup>17</sup>

دوره سوم از تفسیر علمی که موجب اوج‌گیری و رشد فوق العاده آن گردید، از زمانی شروع شد که در قرن 18 میلادی به بعد علوم تجربی در مغرب زمین رشد کرد، و کتاب‌های مختلف در زمینه علوم فیزیک، شیمی، پزشکی و کیهان‌شناسی به عربی ترجمه گردید؛ این دوره جدید، به ویژه در یک قرن اخیر، که در جهان اسلام، اثرات خود را در مصر و هندوستان بر جای گذاشت، موجب شد تا دانشمندان مسلمان، درصدد انطباق قرآن با علوم تجربی بر آیند.

این مسأله آن موقع اهمیت بیشتری یافت که تعارض علم و دین در اروپا، اوج گرفت و کتاب مقدس، به خاطر تعارضات آن با علوم جدید هر روز عقب نشینی تازه‌ای می‌کرد و میدان برای پیدایش افکار الحادی و ضد دینی باز می‌شد هجوم این افکار به کشورهای اسلامی و تفوق صنعتی غرب، موجب جذب جوانان مسلمان به فرهنگ غربی می‌گشت.

در این میان عده‌ای از دانشمندان مسلمان، از سر درد و برای دفاع از قرآن و با توجه به سازگاری علم و دین در نظر اسلام، به میدان آمدند تا نشان دهند که آیات قرآن، نه تنها با علوم جدید، در تعارض نیست بلکه بر عکس، یافته‌های علمی، اعجاز علمی قرآن را اثبات می‌کند؛ از این رو، به استخدام علوم در فهم قرآن اقدام کردند و تفسیرهای علمی نوشته شد؛<sup>18</sup> هر چند در این میان بعضی افراط کرده یا یکسره جذب فرهنگ غربی شدند و به تأویل و تفسیر به رأی در آیات قرآن دست زدند<sup>19</sup> و از آنجا که مبانی تفسیری این روش بررسی کامل نشده بوده - دچار انحراف شدند یا عده‌ای از مغرضان آن‌ها، برای اثبات افکار انحرافی خود دست به تفسیر علمی و تأویلات نابه جا زدند و همین مطلب موجب شد تا احساسات بعضی مسلمانان، بر افروخته شود و در مقابل تفسیر علمی موضع‌گیری کنند و آن را یک سره به باد حمله بگیرند و آن را نوعی تفسیر به رأی یا تأویل غلط آیات قرآن بدانند؛ در این میان بسیاری از عالمان، و دانشمندان و مفسران، در ایران و مصر راه انصاف پیمودند و بین انواع تفسیر علمی و اهداف گویندگان آن، فرق گذاشتند و به اصطلاح قائل به تفصیل شدند.

- به طور خلاصه علل عمده شروع و گسترش این روش تفسیری در بین مسلمانان چنین بود:
- 1 - توجه قرآن به علم، ذکر مثال‌های علمی و ترغیب به تفکر در آیات الهی در آسمان‌ها، زمین و خود انسان که موجب رشد علوم، معارف و مقایسه آن‌ها با آیات قرآن شد.
  - 2 - ترجمه آثار علوم طبیعی و فلسفی از یونان، روم و ایران به عربی و نشر آن در بین مسلمانان که از قرن دوم هجری به بعد صورت گرفت.
  - 3 - این تفکر که همه علوم در قرآن هست و ما باید آن‌ها را از آیات، به دست آوریم.
  - 4 - توجه به علوم طبیعی و کشفیات جدید، برای اثبات اعجاز علمی قرآن نیز، به رشد تفسیر علمی کمک کرد.
  - 5 - پیروزی تفکر اصالت حس، در اروپا و تأثیر گذاری آن بر افکار مسلمانان و به وجود آمدن گروه‌های التقاطی یا انحرافی، در میان مسلمانان که به تأویل و تطبیق آیات قرآن، منجر شد. 20
  - 6 - حسّ دفاع دانشمندان مسلمان در مقابل حملات غربی‌ها به دین و القای تفکر تعارض علم و دین، موجب شد تا سازگاری آیات قرآن با علوم تجربی، در تفاسیر و کتاب‌ها وارد شود.

تاریخچه، دیدگاه‌ها و مهم‌ترین آثار در زمینه تفسیر علمی مفسران و دانشمندان مسلمان در مورد تفسیر علمی قرآن سه دیدگاه متمایز داشته‌اند که با توجه به سیر تاریخی و به صورت مختصر به آنها اشاره می‌کنیم:

اول: موافقان تفسیر علمی

جمعی از مفسران قرآن، فلاسفه و متفکران و بسیاری از متخصصان علوم تجربی طرفدار تفسیر علمی بوده و از علوم تجربی در تفسیر آیات قرآن استفاده کرده‌اند. از جمله:

1 - شیخ الرئیس ابن سینا (370-428 ق).

فیلسوف و پزشک مشهور ایرانی؛ او واژه «عرش» در آیه «وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةَ» (حاقه 17) را به فلک الافلاک (یعنی فلک نهم هیئت بطلموسی) تفسیر کرده است و «ملائکه» هشت گانه را به افلاک هشت گانه (قمر خورشید - زهره عطارد - زحل - مشتری - مریخ و فلک ثوابت) تفسیر نموده است. 21

2 - ابو حامد غزالی (م 505 ق).

ایشان در کتاب «احیاء العلوم» می‌گوید: در قرآن علوم زیادی وجود دارد و از برخی علما نقل کرده که در قرآن هفتاد و هفت هزار و دو بیست علم است؛ زیرا برای هر کلمه علمی است و این علوم

چهار برابر می‌شود، چون هر کلمه ظاهر و باطن و حد و مطلع و... دارد. 22 و نیز در کتاب «جواهر القرآن» آورده است:

«علمی همچون علم طب، نجوم، هیئت العالم، هیئت بدن حیوان، تشریح اعضای او، علم سحر، طلسمات و غیر این‌ها، ریشه‌های آن خارج از قرآن نیست. و مثال‌های زیادی از آیات قرآن در رابطه با علوم مختلف بیان می‌کند. 23»

3 - امام فخر رازی (م 606 ق).

در تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب) برخی مطالب علمی را با آیات قرآن تطبیق کرده است. او به آیه «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا» (بقره 22) استدلال می‌کند که زمین ساکن است. 24 و در ذیل آیه 164 بقره، فلکیات قدیم و آرای بطلمیوس و قدمای هند و چین و بابل و مصر و روم و شام را مورد بررسی قرار می‌دهد.

4 - ابن ابی الفضل المرسی (655-570 ق).

معتقد است: قرآن علوم اولین و آخرین را جمع کرده است و تلاش می‌کند که علم طب، جدل، هیئت، هندسه، جبر و مقابله را از قرآن استخراج کند. و برای خیاطی، نجاری، صید، آهنگری، کشاورزی و دریانوردی آیاتی می‌آورد. 25»

5 - بدر الدین محمد بن عبدالله زرکشی (م 764 ق).

صاحب کتاب «البرهان فی علوم القرآن» نیز معتقد است که می‌توان همه علوم را از قرآن استخراج کرد.

برای مثال عمر حضرت عیسی علیه السلام را از آیه «قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ...» (مریم 30-33) که سی و سه کلمه است استخراج کرده که سی و سه سال بوده است. 26»

6 - جلال الدین سیوطی (م 911 ق).

صاحب کتاب «الاتقان فی علوم القرآن» نیز قرآن را شامل تمام علوم می‌داند و برای مثال از آیه «وَأَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا» (منافقون 11) استفاده می‌کند که عمر پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم شصت و سه سال بوده است، چون که این آیه در اوائل سوره منافقین است. 27-28»

7 - علامه محمد باقر مجلسی (م 1111 ق).

صاحب کتاب بزرگ بحار الانوار، در برخی از مجلّات این کتاب مطالبی پیرامون آسمان‌ها آورده است و در موارد متعدّدی تفسیر علمی کرده است از جمله در مورد آیه 29 سوره بقره می‌گوید: در آیه شریفه، بدل یا تفسیر (سما) است و هفت گانه بودن آسمان‌ها، منافاتی با نه گانه بودن آن‌ها که در علم نجوم ثابت شده است ندارد. زیرا آسمان هشتم و نهم در زبان دینی، به کرسی و عرش تعبیر شده است. 29»

8 - ملا صدراى شیرازى (م 1050 ق).

فیلسوف مشهور در تفسیر خویش 30 و نیز ملا هادى سبزواری فیلسوف مشهور در کتاب شرح منظومه 31 همان مطالب پیش گفته را در مورد آسمان‌های هفت گانه و عرش و کرسی احتمال می‌دهند و تکرار می‌کنند.

9 - سید عبدالرحمن کواکبى (م 1320 ق).

در کتاب «طبایع الاستبداد و مصارع الاستعباد» در موارد متعددی به انطباق قرآن با علوم تجربی می‌پردازد. و برای جدا شدن ماه از زمین (بر طبق نظریات کیهان‌شناسی) به آیات (رعد/41) و (قمر/1) استدلال می‌کند. 32/

10 - سر سید احمد خان هندى (1817-1898 م) و سید امیر علی (1265-1347 ق).

از دانشمندان هندى که برای تفسیر علمى دانشکده در «علیگره» تأسیس کردند و نماز و روزه و زکات و حج را بر پایه فواید جسمانى و اجتماعى تفسیر کردند و حتى قوای طبیعى مانند آب و باد و ابر را، ملک (فرشته) می‌دانستند. و امکان وقوع معجزه و تأثیر دعا را انکار می‌کردند.

سید جمال‌الدین اسدآبادى در هند با تفسیر آنان مخالفت کرد. 33/

11 - دکتر محمد بن احمد الاسکندرانى.

در کتاب «کشف الاسرار النورانیة القرآنیة فی ما یتعلق بالاجرام السماویة و الارضیة و الحیوانات و النبات و الجواهر المعدنیة» (چاپ 1880).

ایشان از پیشگامان تفسیر علمى در عصر جدید به شمار می‌آید.

12 - طنطاوى (متولد 1862 م) صاحب تفسیر «الجواهر، فی تفسیر القرآن» تفسیر ایشان را می‌توان

اوج استفاده از علوم در تفسیر قرآن نامید.

ایشان در موارد متعددی از علوم مختلف در تفسیر قرآن استفاده کرده از جمله علم احضار ارواح را از آیات مربوط به گاو بنی اسرائیل 34 استخراج کرده است. و در هر مبحث تفسیری بسیاری از

علوم جدید را در لابه‌لای تفسیر آورده است. 35/

13 - عبدالرزاق نوفل از نویسندگان مصرى که حداقل پنج کتاب در مورد تفسیر علمى نوشته

است که عبارتند از: القرآن و العلم الحدیث، اللّٰه و العلم الحدیث، الاسلام و العلم الحدیث، بین الدین و العلم...

14 - سید هبة الدین شهرستانی (1301-1369 ق).

در کتاب الاسلام و الهیئة که حرکت زمین را از آیه «الَّذِیْ جَعَلَ لَکُمُ الْاَرْضَ مَهْدًا» (زخرف/10)

استفاده کرده است. 36/ و معتقد است «بیان تصدیق و تأیید علوم و اکتشافات جدید از طریق دین و

لسان علما موجب تقویت ایمان مردم است». 37/

15 - برخی از نویسندگان متأخر ایران که در مورد تفسیر علمی قلم زده‌اند عبارتند از: آیت الله طالقانی در تفسیر پرتوی از قرآن، محمد تقی شریعتی در تفسیر نوین، حجة الاسلام اهتمام در فلسفه احکام، دکتر پاک نژاد در اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، مهندس بازرگان در کتاب‌های راه طی شده - باد و باران در قرآن - مطهرات در اسلام و محمد علی رضائی اصفهانی در کتاب‌های درآمدی بر تفسیر علمی قرآن (1375 ش) پژوهشی در اعجاز علمی قرآن (1381 ش) اشارات علمی اعجاز‌آمیز قرآن (1383 ش) و ناصر رفیعی در تفسیر علمی قرآن (1382 ش) و...

### تحلیل و بررسی

این افراد را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد که هر گروه هدف خاصی را دنبال می‌کرده‌اند.

1 - برخی افراد در پی فهم بهتر قرآن بوسیله علوم تجربی بوده‌اند، و حتی شرایط و ضوابط تفسیر علمی را روشن کرده‌اند و تلاش نموده‌اند از افراط و تفریط دوری کنند. همچون دکتر پاک نژاد در کتاب اولین دانشگاه و آخرین پیامبر و محمد علی رضائی اصفهانی در تفسیر علمی قرآن.

2 - گروهی در پی اثبات اعجاز علمی قرآن بوده‌اند. برای مثال در مورد زوجیت عام و زوجیت گیاهان ادعای اعجاز علمی کرده‌اند. 38 از جمله این افراد مصطفی صادق رافعی (م 1938 م) در کتاب «اعجاز القرآن و البلاغ النبوی» و نگارنده در «پژوهشی در اعجاز علمی قرآن» بوده‌اند. 39

3 - گروهی در پی نشان دادن اهمیت علم در نظر اسلام بوده‌اند.

از جمله این افراد طنطاوی و سید هبه‌الدین شهرستانی بوده‌اند که مطالب آنان گذشت.

4 - کسانی که تلاش کردند علوم مختلف را از قرآن استخراج کنند، از جمله این افراد: غزالی، المرسی، زرکشی، سیوطی، طنطاوی. 40

دلیل عمده اکثر این افراد آن بوده که با توجه به آیاتی مثل «تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ» (نحل/ 89) همه علوم در قرآن وجود دارد. پس می‌توان با دقت در آیات و با روش‌های خاص و با کمک علوم، آن‌ها را از آیات استخراج کرد.

5 - افرادی که نظریه‌های ظنی علوم را بر آیات قرآن تطبیق کرده‌اند. از جمله این افراد می‌توان از: فخر رازی (در مورد استفاده سکون زمین از آیه 22 بقره) علامه مجلسی، ملاصدرا شیرازی، سید عبدالرحمن کواکبی، و عبدالرزاق نوفل نام برد. 41

البته گاهی برخی از این افراد نظریه‌های علمی را بر قرآن تحمیل کرده‌اند. همان طور که عبدالرزاق نوفل در مورد آیه «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا» (اعراف/ 189) می‌گوید: «مقصود از نفس واحد، همان پروتون و زوج همان الکترون است و این دو عنصری است که اتم از آنها تشکیل شده است».



وی این مطلب را دلیل اعجاز علمی قرآن شمرده است. 42 البته روشن است که این تفسیر با معانی لغوی و اصطلاحی و ظاهر آیه سازگار نیست و نوعی تحمیل نظر بر قرآن و تفسیر به رأی است.

6 - گروهی در پی اثبات افکار انحرافی خود بوده‌اند و تلاش کرده‌اند که با استفاده از علوم تجربی، معجزات پیامبران را که در قرآن بیان شده توجیه کرده و انکار کنند.

از جمله این افراد می‌توان از سر سید احمد خان هندی و سید امیر علی و رشید رضا (1935-1865 م) در المنار نام برد.

رشید رضا در ذیل آیه 243 بقره مسأله مرگ افراد را به شکست آن‌ها و از دست دادن استقلال و زنده شدن آنان را به استقلال و قوت مجلد تفسیر کرده است. 43 و ذیل آیه 260 بقره زنده شدن چهار مرغ را در داستان ابراهیم علیه السلام به تربیت و انس آنان تفسیر کرده است. 44 در حالی که این توجیحات مخالف ظاهر آیات و نوعی تفسیر به رأی است.

و شاید به خاطر وجود همین اشکالات بود که افرادی همچون علامه طباطبایی رحمه الله به تطبیق قرآن به علوم تجربی خرده گرفتند و آن را رد کردند. 45

دوم: مخالفان تفسیر علمی

1 - ابواسحاق شاطبی (م 790 ق) فقیه مالکی مذهب اندلسی (اسپانیایی) در کتاب «الموافقات» تفسیر علمی را، انکار می‌کند و دلایل قائلان آن را رد می‌نماید و می‌نویسد:

«در زمان نزول قرآن، اعراب علومی داشتند، مانند: نجوم، علم اوقات نزول باران، علم طب، بلاغت، فصاحت، علم کهنات، رمل، جفر و... اسلام و قرآن، این علوم را به دو دسته تقسیم کرد: علومی که صحیح بود تصدیق کرد و بر آن‌ها مطالبی افزود و علومی که باطل بود (مانند کهنات، رمل و...) را باطل اعلام نمود و منافع و مضار هر دسته را اعلام کرد.»

سپس برای هر دسته، مثال‌هایی از قرآن می‌آورد 46 و بعد می‌گوید:

«بسیاری از مردم از حدّ خود تجاوز کرده، ادعا می‌کنند که در قرآن، همه علوم گذشتگان و آیندگان وجود دارد، مانند: علوم طبیعی، هندسه، ریاضی، منطق و علم حروف، ولی این صحیح نیست؛ سپس برای ادعای خود دلیل می‌آورد که: از سلف صالح، کسی این ادعا را نکرده است و قرآن هم، برای بیان احکام تکالیف و احکام آخرت و مسائل جنبی آن آمده است.» 47

پس از آن، دلایل قائلان به تفسیر علمی را که به آیات قرآن مانند: «تَبَيَّنَّا لِكُلِّ شَيْءٍ» (نحل / 88)، «مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» (انعام / 38) استناد کرده‌اند، رد می‌کند و می‌گوید:

«این آیات مربوط به تعبد و تکلیف است و مراد از کتاب، در آیه دوم لوح محفوظ است و در مورد حروف فواتح سور، هم می‌گوید: که عدد جمل (حروف ابجد و تطبیق آن با آیات) اثبات نشده و این از معارف اهل کتاب است و فواتح را از متشابهات می‌داند.»<sup>48</sup>

2 - شیخ محمود شلتوت (1893-1964 م) از علمای الازهر مصر در مقالاتی که در مجله «الرساله» در سال 1941 میلادی چاپ می‌شد به تفسیر علمی حمله کرد و عقیده داشت که:  
«... این نوع تفسیر خطاست چون: «اولاً قرآن برای بیان نظریات علوم و فنون نازل نشده است، ثانیاً این طریق موجب تأویل قرآن به صورت تکلفی (تحمیلی) می‌شود که این تأویلات، با اعجاز قرآن و ذوق سلیم ناسازگار است و ثالثاً موجب می‌شود که قرآن در هر زمان و مکان به دنبال مسائل علوم برود، در حالی که علوم ثابت و قرار و سخن قاطع ندارد و چه بسا امروز، چیزی را ثابت کنند و فردا مخالف آن اثبات می‌شود، خطاهای علوم به قرآن راه یابد و ما در مقام دفاع قرار گیریم (هر چند قرآن اشاراتی به علوم و فنون دارد).

و در ضمن مواردی از خطاها در تفسیر علمی که موجب استخراج مسائل عجیبه از آیات قرآن شده است را بر می‌شمارد.<sup>49</sup>

3 - دکتر ذهبی از اساتید علوم قرآن و حدیث در الازهر مصر صاحب کتاب مشهور «التفسیر و المفسرون». وی از دانشمندان متأخر مصر محسوب می‌شود. ایشان به دنبال نظر شاطبی در مخالفت با تفسیر علمی می‌گوید: «اعتقاد من این است که حق با شاطبی است چون دلایلی که آورده قوی است و جواب‌هایی که به مخالفان خود می‌دهد محکم است.»<sup>50</sup>

4 - در بعضی از کتاب‌ها افرادی را به عنوان مخالفان تفسیر علمی ذکر کرده‌اند که عبارت‌اند از:<sup>51</sup>

1 - استاد امین الخولی (1956 م).

2 - استاد عباس محمود عقاد (1964 م).

3 - استاد محمد عزه دروزه (متولد 1888 م).

4 - شیخ محمد عبدالعظیم الزرقانی، مؤلف کتاب مناهل العرفان فی علوم القرآن.

بعد از مراجعه به دلایل این افراد، متوجه می‌شویم که چیزی اضافه بر آنچه که شاطبی می‌گوید، ندارد. یادآور می‌شویم که عباس محمد عقاد در دو کتاب (الانسان فی القرآن) و (قرآن و مکتب تکامل) به بحث تفسیر علمی پرداخته است، پس نمی‌تواند از مخالفان مطلق تفسیر علمی به شمار آید.

تحلیل و بررسی:

با دقت در سخنان مخالفان روشن می‌شود که آنان با گونه‌های خاصی از تفسیر علمی مخالفت کرده‌اند یعنی استخراج علوم از قرآن و تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن را مردود شمرده‌اند. که در این موارد اشکالات آنان وارد است و بدون پاسخ مانده است. ولی قائلان به تفصیل در تفسیر علمی تلاش کرده‌اند با ارائه معیارها و جداسازی به گونه‌ای به تفسیر علمی معتدل یا استخدام علوم قطعی در فهم قرآن دست یابند تا اشکالات مخالفان بر طرف شود.

سوم: دیدگاه تفصیل در تفسیر علمی:

برخی از مفسران و دانشمندان اسلامی یک قسم از تفسیر علمی را با شرایطی پذیرفته و قسمی دیگر را رد کرده‌اند؛ یعنی قائل به تفصیل در این مورد شده‌اند. از جمله کسانی که این راه را توصیه کرده‌اند این افراد هستند:

1 - سید قطب (1906-1933 م) متفکر اسلامی مصر صاحب تفسیر فی ظلال است. سید قطب در تفسیر فی ظلال، به تفسیر علمی اشکال می‌کند و می‌گوید:

«من تعجب می‌کنم که افراد ساده، سعی می‌کنند تا چیزهای که در قرآن نیست به قرآن نسبت دهند و آنچه را مقصود قرآن نیست، بر آن تحمیل کنند و جزئیات علوم پزشکی، شیمی، نجوم و... را از قرآن استخراج سازند و مثل این که بدین وسیله، شأن قرآن را بزرگ می‌کنند.»<sup>52</sup>

سپس به دو نوع تفسیر و برداشت از آیات علمی قرآن می‌پردازد و یک نوع را جایز و نوع دیگر را غیر مجاز می‌شمارد. برای نوع غیر مجاز، انطباق تکامل با آیه «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ» (مؤمنون /12) را مثال می‌زند که ممکن است، این نظریه تغییر کند.

و برای نوع جایز آن، آیه شریف «وَوَخَّلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا» (فرقان /2) را مثال می‌زند که برای هر چیزی مانند شکل زمین و فاصله آن از خورشید، ماه، حجم خورشید و ماه، سرعت حرکت آن‌ها و نسبت‌هایی که بین آنها برقرار است، مقدار و تناسب دقیقی است که نمی‌تواند تصادفی باشد و این آیه را می‌توان در مفهومش، توسعه داد و اشکالی ندارد.<sup>53</sup>

2 - محمد مصطفی مراغی (1881-1945 م) شیخ جامع الازهر و از علمای بزرگ مصر و سودان است.

ایشان از کسانی است که دو موضع مختلف، نسبت به تفسیر علمی داشته است.

در مقدمه‌اش بر کتاب «الاسلام و الطب الحديث»، تألیف عبدالعزیز اسماعیل، می‌گوید:

«من نمی‌خواهم بگویم که قرآن کریم، همه علوم را به صورت کلی و تفصیلی در بر دارد، بلکه می‌گویم که قرآن اصول عام هر چیزی را که معرفتش، برای انسان مهم است و عمل به آن، انسان را

به درجه کمال جسمی و روحی می‌رساند، در بردارد و درهای علم را برای دانشمندان علوم مختلف، باز کرده تا بتوانند جزئیات آن علوم را طبق پیشرفت زمان، برای مردمشان بیان کنند.»  
و نیز می‌گوید:

«برخی تأویل قرآن می‌کنند برای (تطبیق با) نظریات علمی که ثابت ندارد و این خطر بزرگی برای قرآن است... زیرا نظریات علمی که ثابت نشده است، صحیح نیست قرآن را به آنها برگردانیم و در پایان می‌گوید: واجب است که آیه قرآن را به طرف علوم نکشانیم، تا تفسیرش کنیم و علوم را هم به طرف آیه نکشانیم تا قرآن را تفسیر کنیم، بلکه اگر ظاهر یک آیه با یک حقیقت علمی ثابت موافق بود، آن آیه را با آن حقیقت علمی تفسیر می‌کنیم.»<sup>54</sup>

مراغی در تفسیر خود، در موارد متعدد اقدام به تفسیر علمی کرده است.  
برای مثال در ذیل آیه شریفه «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا» (لقمان / 10) عمد را به نیروی جاذبه عمومی تفسیر می‌کند.<sup>55</sup>

3 - احمد عمر ابوحجر صاحب کتاب التفسیر العلمی فی المیزان، ایشان در کتاب دلایل طرفین، در مورد اثبات و نفی تفسیر علمی را آورده است.

ایشان در پایان قائل به تفصیل در تفسیر علمی می‌شود و می‌گوید:  
«آنچه نفس انسان بعد از این که به دیدگاه‌های طرفین نظر افکند به آن مطمئن می‌شود این است: کسانی که قرآن را از تفسیر علمی دور نگه می‌دارند بر حق هستند؛ زیرا این نوع تفسیر، بر وهم، ظن و تکلف در تأویل استوار است، اما وقتی بر مطلب یقینی علمی استوار باشد، مانعی در استفاده از نور علم، برای روشن کردن حقایق علمی وجود ندارد.»<sup>56</sup>  
در جای دیگر می‌گوید:

«ما طریق میانه را انتخاب می‌کنیم که افراط و تفریط در آن نیست، چون وقتی قرآن کلام خداست و وجود نیز، آفریده خداوند است پس باید حقایق علمی با آیات قرآنی هماهنگ باشند.»<sup>57</sup>

4 - علامه طباطبایی (م 1360 ش)، صاحب تفسیر شریف «المیزان» از متفکران، مفسران و فیلسوفان بزرگ شیعه، در قرن حاضر، ایشان در مورد تفسیر علمی می‌فرماید:

«بعضی از مسلمانان در اثر غرق شدن در علوم طبیعی و مشابه آن‌ها که مبتنی بر حس و تجربه است، به مذهب اصالت حس، از فلاسفه اروپا متمایل شدند و بعضی به طریق اصالة العمل (که ارزشی برای ادراکات قائل نیستند، مگر به مقداری که عملی بر آن مرتب شود) گرایش پیدا کردند، از این رو گفتند که معارف دینی، با طریقه علمی (اصالت حس و ماده) معارضت ندارد و موارد آیات مخالف این نظر را، تأویل کردند و حتی معاد را با قوانین مادی، تطبیق نمودند و گفتند روح مادی است و از خواص ماده به دست می‌آید و نبوت یک نبوغ خاص اجتماعی است که موجب

قانون گذاری، برای ایجاد مصالح می شود و نتیجه گرفتند که روایات، به خاطر خلطی که در آنهاست، قابل اعتماد نیست و تفسیر آیات قرآن، به طریق عقلی (که در تفسیرهای گذشتگان انجام می شد) را هم، باطل کرد (روش عقلی را علم باطل کرد) پس قرآن را باید با علم تفسیر نمود. در پایان چنین می فرماید: «انما الکلام فی أن ما أوردہ علی مسالک السلف من المفسرین (ان ذلک تطبیقاً و لیس بتفسیر) وارد بعینه علی طریقتهم فی التفسیر» 58.

آن اشکالی که بر روش تفسیر علمای گذشته وارد کرده اند که تفسیر نیست، بلکه تطبیق است (همان اشکال) بر ایشان نیز وارد است.

ولی علامه خود، در تفسیر بعضی از آیات قرآن از علوم تجربی و نتایج آنها کمک می گیرند چنانچه در ذیل آیه شریفه «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ» (انبیاء /30) «و حیات هر چیزی را از آب قرار دادیم» می فرماید: «منظور این است که آب دخالت کاملی در وجود هر موجود زنده ای دارد... و در بحث های علمی جدید، ارتباط حیات با آب واضح شده است» 59.

در ذیل آیه شریفه «وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ» (ذاریات /47) می فرماید مراد توسعه خلقت آسمان است، همان طور که علوم ریاضی، امروزه به این مسأله نظر دارند. 60.

ما در مباحث آینده، روشن خواهیم کرد که این دو نوع برخورد علامه، با تفسیر علمی بدین جهت است که تفسیر علمی، چند نوع مختلف دارد که همگی یک حکم واحد ندارند، از این رو علامه در شمار قائلان به تفصیل در تفسیر علمی محسوب می شود.

5 - آیت الله مکارم شیرازی صاحب تفسیر نمونه، ایشان از افراد موافق تفسیر علمی ولی معتدل، به حساب می آیند که تفسیر علمی را در یک نوع آن پذیرفته اند و در تفسیر نمونه، در موارد متعدد برای اثبات اعجاز علمی قرآن، از آن استفاده کرده اند. 61 و با نوعی از تفسیر علمی مخالفت کرده اند و آن را تفسیر به رأی می خوانند. 62 آنجا که با تفسیر علمی موافقت دارند می فرمایند:

«گاهی هم مشاهده می شود که علم به میدان آمده و قرآن را تفسیر می کند، تأکید می کنم وقتی می گویم علم، منظورم کشفیات ثابت شده و قطعی علمی است، نه فرضیات که اشکال کنند فرضیه ها با گذشت زمان، دست خوش تغییر و دگرگونی می شود و نمی توان قرآن ثابت و تغییرناپذیر را، بر فرضیات دگرگون شونده تطبیق داد. برای مثال: زوجیت نر و ماده، در عالم گیاهان که بعد از قرن هفده میلادی کشف شد و یا حرکت زمین به دور خود، دیگر یک فرضیه نیست، تا با گذشت زمان دگرگون شود» 63.

6 - آیت الله محمد هادی معرفت ایشان می نویسند:

«شریعت، درس علوم طبیعی نیست و قرآن بالذات کتاب علم نیست، مگر اشاراتی گذرا و در کنار مطالب اصلی (حکمت، هدایت، تربیت، ارشاد و...) دارد که به بعضی از اسرار وجود، اشاره می کند

اما این به نحو اجمالی و غامض بیان شده، به طوری که علمای راسخ در علم، آن اشارات را درک می‌کنند چون در صدد بیان مطالب علمی نبوده، ولی در عین حال از دریای بی کران علم الهی سرچشمه گرفته است.»

ایشان معتقدند:

«قطعیات علوم و معارف بشری برای فهم قرآن لازم است و اشاراتی علمی در قرآن هست که بدون استفاده از علوم، فهم حقیقت آن‌ها ممکن نیست 64 ولی قرآن، قطعی است و علوم، غیر قطعی، بنابراین باید علوم بر قرآن تطبیق شود نه بالعکس. یعنی با توجه به کشفیات علمی، ما از یک آیه مطلبی را می‌فهمیم اما این که بگوییم آیه حتماً این مطلب را می‌گوید نمی‌دانیم، بلکه اگر کسی نسبت قطعی دهد، تحمیل است که جایز نیست.» 65

پس ایشان به طور واضح بین اسناد قطعی علوم تجربی، به قرآن و تفسیر قرآن با علوم تجربی، به نحو احتمالی فرق می‌گذارند، از این رو ایشان را در شمار قائلان به تفصیل در تفسیر علمی ذکر کردیم. ایشان جلد ششم التمهید را به تفسیر علمی و اعجاز علمی قرآن اختصاص داده‌اند. و به طور مفصل این مباحث را مطرح کرده‌اند.

7 - آیت الله سبحانی، ایشان از افراد معتدل در تفسیر علمی محسوب می‌شوند؛ چنان که در مورد شرایط مفسر می‌فرمایند:

«آگاهی از بینش‌های فلسفی و علمی که مایه شکوفایی ذهن و سبب برداشت‌های ارزنده‌ای از قرآن می‌گردد (از شرایط تفسیر قرآن به معنای واقعی است). امروز بشر، گام‌های بس بلندی پیرامین شناخت زمین، کیهان، حیوان و انسان برداشته و افق‌های بس تازه‌ای در روان‌شناسی و جامعه‌شناسی کشف کرده. درست است که نمی‌توان گفت تمام آنچه را که در این مقوله، گفته و ترسیم کرده است صحیح است، ولی آگاهی از چنین کشفیات علمی، سبب تقویت دماغ فلسفی و علمی انسان می‌گردد و مایه شکوفایی ذهن مفسر می‌شود و به او توان خاصی می‌بخشد، که از قرآن به صورت کاملتری بهره بردارد. مقصود این نیست که به کمک فلسفه یونان و یا اسلامی و یا به کمک علوم جدید، به تفسیر قرآن پردازیم و قرآن را بر این افکار غیر مصون از خطا تطبیق کنیم، زیرا یک چنین کار جز تفسیر به رأی که عقلاً و شرعاً ممنوع است نتیجه دیگری ندارد.» 66

ایشان در کتاب برهان رسالت، در مورد جاذبه عمومی، کرویت زمین، حرکت زمین و اجرام سماوی زوجیت گیاهان، به قرآن و علم اشاره می‌کند و برای اعجاز قرآن به آن‌ها استدلال می‌نماید. 67 ایشان هر چند با تطبیق قرآن، بر علوم جدید مخالف است، اما بر لزوم استفاده از کشفیات علمی، در تفسیر قرآن تأکید می‌کند (پس ظاهراً با استخدام علوم در فهم قرآن، موافق است) و این تفصیل در تفسیر علمی محسوب می‌شود.

8 - تفصیل بین سه گونه استخراج علوم از قرآن، تحمیل نظریه‌های علمی بر آن و استخدام علوم در فهم قرآن، که نگارنده در کتاب درآمدی بر تفسیر علمی قرآن (1375 ش) بیان کرده‌ام و در ادامه توضیح بیشتر خواهد آمد.

شیوه‌های برداشت علمی از قرآن تفسیر و برداشت علمی از قرآن خود دارای روش‌های فرعی متفاوتی است که بعضی سر از تفسیر به رأی و شماری منجر به تفسیر معتبر و صحیح می‌شود و برخی نیز به نظریه‌پردازی‌های علمی قرآن در حوزه علوم مختلف می‌انجامد.

الف) استخراج همه علوم از قرآن کریم طرفداران قدیمی در تفسیر علمی؛ مانند: ابن ابی الفضل المرسی، غزالی و... کوشیده‌اند تا همه علوم را از قرآن استخراج کنند؛ 68 زیرا عقیده داشتند که همه چیز در قرآن وجود دارد و در این راستا، آیاتی را که ظاهر آن‌ها با یک قانون علمی سازگار بود، بیان می‌کردند و هرگاه ظواهر قرآن کفایت نمی‌کرد، دست به تأویل، می‌زدند و ظواهر آیات را به نظریات و علوم می‌کردند که در نظر داشتند، بر می‌گرداندند و از این جا بود که علم هندسه، حساب، پزشکی، هیأت، جبر، مقابله و جدل را از قرآن استخراج می‌نمودند.

برای مثال، از آیه شریفه «وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ» (شعراء/80) ابراهیم علیه السلام نقل می‌کند که: وقتی من بیمار شدم، اوست که شفا می‌دهد، علم پزشکی را استخراج کردند. 69 و علم جبر را از حروف مقطعه اوائل سوره‌ها استفاده کردند 70 و از آیه شریفه «إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا» (الزلزله/1) زمین لرزه سال 702 هجری قمری را پیش بینی کردند. 71 روشن است که این نوع تفسیر علمی، منجر به تأویلات زیاد در آیات قرآن، بدون رعایت قواعد ادبی، ظواهر و معانی لغوی آن‌ها می‌شود.

از همین رو است که بسیاری از مخالفان، تفسیر علمی را نوعی تأویل و مجاز گویی دانسته‌اند 72 که البته در این قسم از تفسیر علمی، اشکالات وارد است.

ب) تطبیق و تحمیل نظریات علمی بر قرآن کریم این شیوه از تفسیر علمی، در یک قرن اخیر رواج یافته و بسیاری از افراد با مسلم پنداشتن قوانین و نظریات علوم تجربی سعی کردند تا آیاتی موافق آن‌ها در قرآن بیابند و هرگاه آیه‌ای موافق با آن نمی‌یافتند، دست به تأویل یا تفسیر به رأی زده و آیات را بر خلاف معانی ظاهری، حمل می‌کردند.

مثال این گونه تفسیر در تفسیر آیه 189 اعراف از عبدالرزاق نوفل بیان شد که «نفس» را، به معنای پروتون و «زوج» را الکترون معنا کردند و گفتند: منظور قرآن، این است که همه شما را از پروتون و الکترون که اجزای مثبت و منفی اتم است، آفریدیم. 73 در این تفسیر، حتی معنای لغوی و اصطلاحی نفس را نکردند.

این گونه تفسیر علمی، در یک قرن اخیر، در مصر و ایران رایج شد و موجب بدبینی برخی دانشمندان مسلمان نسبت به مطلق تفسیر علمی گردید و یک سره تفسیر علمی را به عنوان تفسیر به رأی و تحمیل نظریات و عقاید بر قرآن طرد کردند، چنان که علامه طباطبایی، تفسیر علمی را نوعی تطبیق اعلام کرد. 74

البته در مورد این نوع تفسیر علمی، حق با مخالفان آن است؛ چرا که مفسر در هنگام تفسیر باید از هرگونه پیش داوری خالی باشد، تا بتواند تفسیر صحیح انجام دهد و اگر با انتخاب یک نظریه علمی، آن را بر قرآن تحمیل کند، پا در طریق تفسیر به رأی، گذاشته که در روایات وعده عذاب به آن داده شده است.

ج) استخدام علوم برای فهم و تبیین بهتر قرآن  
در این شیوه از تفسیر علمی، مفسر با دارا بودن شرایط لازم و با رعایت ضوابط تفسیر معتبر، اقدام به تفسیر علمی قرآن می‌کند.

یعنی تلاش می‌کند که با استفاده از مطالب قطعی علوم - که از طریق دلیل عقلی پشتیبانی می‌شود - و با ظاهر آیات قرآن - طبق معنای لغوی و اصطلاحی - موافق است، به تفسیر علمی بپردازد و معانی مجهول قرآن را کشف و در اختیار انسان‌های تشنه حقیقت قرار دهد. این شیوه تفسیر علمی، بهترین نوع و بلکه تنها نوع صحیح از تفسیر علمی است.

ما در مبحث آینده، معیار این گونه تفسیر را، به طور کامل بیان خواهیم کرد، اما در این جا تأکید می‌کنیم که در این شیوه تفسیری، باید از هر گونه تأویل و تفسیر به رأی، پرهیز کرد و تنها به طور احتمالی از مقصود قرآن سخن گفت؛ زیرا علوم تجربی به خاطر استقرار ناقص، و مبنای ابطال پذیری که اساس آنهاست، کمتر می‌تواند مطلب علمی قطعی بیان کند.

برای مثال، آیه شریفه «وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرًّا لَهَا» (یس / 38)؛ «خورشید در جریان است تا در محل خود استقرار یابد.» در زمان صدر اسلام که نازل شد، مردم همین حرکت حسی و روزمره خورشید را می‌دانستند؛ به این ترتیب از این آیه، همین حرکت را می‌فهمیدند، در حالی که حرکت خورشید، از مشرق به مغرب کاذب است؛ زیرا خطای حس باصره ماست و در حقیقت، زمین در حرکت است. از این رو ما خورشید را متحرک می‌بینیم، همان طور که شخص سوار بر قطار،



خانه‌های کنار جاده را در حرکت می‌بیند و با پیشرفت علوم بشری و کشف حرکت زمین و خورشید، روشن شد که خورشید هم، خود دارای حرکت انتقالی است (نه حرکت کاذب، بلکه واقعی) و خورشید، بلکه تمام منظومه شمسی و حتی کهکشان راه شیری در حرکت است. 75 پس می‌گوییم اگر به طور قطعی اثبات شد که خورشید در حرکت است و ظاهر آیه قرآن هم می‌گوید که خورشید در جریان است، پس منظور قرآن حرکت واقعی (حرکت انتقالی و...) خورشید است. علاوه بر آن، قرآن از «جریان» خورشید سخن می‌گوید نه حرکت آن، و در علوم جدید کیهان‌شناسی بیان شده که خورشید حالت گازی شکل دارد که در اثر انفجارات هسته مرتب زیر و زبر می‌شود 76 و در فضا جریان دارد و همچون گلوله‌ای جامد نیست که فقط حرکت کند، بلکه مثل آب در جریان است. 77

د) نظریه‌پردازی‌های علمی قرآن و جهت دهی به مبانی علوم انسانی  
اول: نظریه‌پردازی‌های علمی قرآنی:

برخی از آیات علمی قرآن مطالبی را بیان می‌کند که علم هنوز بدانها دسترسی پیدا نکرده و هر چند از نظر علوم تجربی به اثبات نرسیده است اما دلیلی نیز برای نفی آن مطلب قرآنی نداریم و از آنجا که وحی نوعی دانش قطعی و از سرچشمه الهی است در صحیح بودن آن شکی نیست هر چند برای اثبات آنها فعلاً شواهد تجربی در دست نداریم و ممکن است مثل برخی موارد دیگر از پیشگویی‌های علمی قرآن (مثل نیروی جاذبه طبق آیه 2 / رعد و 10 / لقمان و...) در آینده اثبات شود. این موارد را می‌توان به عنوان نظریه‌های علمی قرآنی مطرح نمود، و همچون دیگر تئوری‌های علمی بدنبال شواهد تجربی آنها بود.

مثال‌ها:

1. نظریه وجود موجودات زنده در آسمان‌ها: این نظریه از برخی آیات قرآن همچون آیه (29 / شوری) قابل استفاده است که می‌فرماید:

«وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا مِنْ دَابَّةٍ» (شوری 29)

«و از نشانه‌های اوست، آفرینش آسمان‌ها و زمین و آنچه از جنبندگان در آنها منتشر ساخته است.» هر چند برخی نشانه‌های کیهان‌شناختی برای وجود موجودات زنده و با شعور در کرات دور دست ادعا شده است اما دانشمندان کیهان‌شناخت، هنوز نظریه قطعی در این زمینه ابراز نکرده‌اند و چیزی ثابت نشده است؛ ولی این مطلب را می‌توان به عنوان یکی از نظریه‌های علمی قرآن، مبنای تحقیقات تجربی کیهان‌شناختی وسیع قرار داد. 78

2. نظریه گسترش آسمان‌ها: این دیدگاه از برخی آیات قرآن همچون آیه (47 / ذاریات) قابل استفاده است، که می‌فرماید:

«وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ» (ذاریات / 47)

«و ما آسمان را با دست (قدرت) بنا کردیم و همواره آن را گسترش می‌دهیم».

در مباحث علمی فیزیک کیهانی دو دیدگاه در مورد آسمان‌ها وجود دارد: یکی دیدگاه انبساط جهان و دیگری دیدگاه انقباض جهان. 79 و برای هر کدام شواهدی مطرح گردیده ولی اثبات نشده است. از آیه فوق دیدگاه انبساط جهان قابل برداشت است. 80 و می‌تواند به عنوان یک نظریه علمی قرآن مبنای تحقیقات کیهان‌شناسی قرار گیرد.

3. نظریه هفت آسمان: در قرآن کریم بارها از «هفت آسمان» یاد شده است، از جمله در سوره بقره 29/، اسراء / 44، مومنون / 17 و 86، فصلت / 12، طلاق / 12، نوح / 15، نبأ / 12.

در حالی که علوم کیهان‌شناسی از یک آسمان با هزاران کهکشان و ستاره و سیاره سخن می‌گوید و در مورد آسمان‌های دیگر سکوت می‌کنند. چون وسایل ستاره‌شناسی فعلی بشر و سفره‌های فضایی توانایی کشف بیش از این را ندارد.

قرآن کریم مساله هفت آسمان را به صورت قاطع مطرح کرده است و این مساله نیز می‌تواند به عنوان یک نظریه علمی قرآنی مبنای مطالعات کیهان‌شناختی وسیعی قرار گیرد. البته در مورد هفت آسمان معانی و دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که در تفسیر آیات فوق باید به آنها توجه کرد، و مطلب فوق بر اساس آن بود که عدد هفت واقعی و مقصود از آسمان‌ها، محل کرات باشد. 81

4. نظریه آفرینش مستقیم انسان از خاک: مساله آفرینش نخستین آدم از خاک در کتاب‌های آسمانی به ویژه قرآن کریم مطرح شده است و برخی آیات قرآن بر آفرینش انسان از خاک و گل دلالت دارد. مثل: انعام / 98، آل عمران / 59، الرحمن / 14، (هر چند برخی آیات دلالت‌های دیگری نیز دارد) و سال‌هاست که نظریه تکامل توسط لامارک و داروین ابراز شده که قائل به بوجود آمدن انسان از نسل حیوانات قبلی است.

معمولاً دانشمندان و مفسران خود را بین این دو دیدگاه محصور می‌دیدند. و یکی را انتخاب و دیگری را نفی می‌کنند و در این مورد کتاب‌های متعددی نیز نوشته شده است. 82

ولی می‌توان نظریه سوم را که شاید وجه جمع دو دیدگاه باشد مطرح کرد و آن اینکه تکامل زیستی در موجودات (اگر با شواهد قطعی اثبات شود) پذیرفتنی است و حتی ممکن است انسان‌هایی از نسل میمون بوجود آمده ولی بعداً منقرض شده باشند ولی حضرت آدم به عنوان پدر بشر فعلی به صورت استثنایی از خاک بطور مستقیم (ولو در زمان طولانی) آفریده شده است.

البته اینکه بسیاری از ویژگی‌های انسان فعلی در میمون‌ها موجود نیست بلکه در نظریه تکامل حلقه مفقوده‌ای بین میمون و انسان وجود دارد؛ می‌تواند شاهی برای این دیدگاه باشد. این نظریه می‌تواند به عنوان یک نظریه علمی قرآنی در آفرینش انسان مبنای پژوهش‌های زیست‌شناسی باشد و در کنار نظریه تکامل و فیکسیم مطرح گردد و بدنبال شواهد تجربی آن از باستان‌شناسی و زیست‌شناسی باشیم. البته در قرآن کریم در مورد نظریه تکامل مباحث مفصلی وجود دارد و آیات موافق و مخالف نظریه تکامل و دیدگاه مفسران نیازمند بحث گسترده است که در برخی کتاب‌ها آمده است. 83

5 - نظریه‌پردازی‌های قرآن در زمینه علوم انسانی، مثل مبانی مدیریت در قرآن، مبانی و اصول اقتصاد در قرآن، مبانی سیاست در قرآن و مبانی اصول علوم تربیتی در قرآن، که اگر اینگونه موارد به خوبی مورد توجه و کاوش قرار گیرد، می‌تواند انقلابی در جهان علوم انسانی پدید آورد، و چهره جهانی را در قرن بیست و یکم تغییر دهد، و به سلطه فرهنگی غرب بر شرق پایان بخشد. برای نمونه:

از آیات قرآن خدا محوری استفاده می‌شود، یعنی خدا سرچشمه همه موجودات و منتهای سیر همه موجودات است «إِنَّا لِلَّهِ وِ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» بقره 156/ و اصولاً ارزش کارها به رنگ الهی (صبغه الله، بقره 135/) و در راه خدا بودن است. در حالی که مبانی علوم انسانی جدید انسان محوری است که این مطلب در علوم انسانی بویژه علوم تربیتی و علوم سیاسی تأثیر بسیاری دارد و جهت خاصی به آنها می‌دهد.

در اقتصاد نیز مبنای اقتصاد اسلامی بدون ربا پایه گذاری شده است در حالی که اقتصاد جدید غرب بر اساس سیستم ربا (بویژه در بانکداری) شکل گرفته است اگر این مبنای قرآنی در بانکداری جاری شود به سیستم جدیدی رهنمون می‌شویم. علوم سیاسی جدید در غرب بر اساس جدایی دین از سیاست و امور دنیوی (سکولاریسم) بنیان نهاده شده است در حالی که سیاست در قرآن بر مبنای دخالت دین در سیاست پایه گذاری شده است از این رو بسیاری از آیات قرآن مسائل حکومتی و اصول سیاست خارجی و قوانین صلح و جنگ و... را بیان می‌کند. و همچنین است لزوم رعایت مبانی اخلاقی و اصل عدالت و فقر زدایی در مدیریت و توجه به بعد روحانی انسان علاوه بر بعد جسمانی در روانشناسی و...

آری بسیاری از آیات قرآن اشارات صریح یا غیر صریح به مبانی علوم انسانی دارد که شمارش آنها نگارش مقالات بلکه کتاب‌های متعددی را می‌طلبد. 84

مبانی برداشت علمی از قرآن

شیوه برداشت و روش تفسیر علمی قرآن دارای مبانی عام تفسیری و روش‌شناسی است که در همه روش‌های تفسیری جاری است همچون جواز و امکان تفسیر قرآن، و ممنوعیت تفسیر به رأی و حجیت ظواهر و نصوص قرآنی و نیز دارای مبانی خاص است که پیش فرض‌های این روش به شمار می‌آید، و از آنجا که این مبانی در جای خود اثبات می‌شود، در این جا بدانها اشاره می‌شود:

#### الف - قطعی نبودن غالب مطالب علوم تجربی

علوم تجربی حاصل کاوش‌ها و تجربه‌های بشری است که در طی قرن‌ها بر هم انباشته شده است، تا قبل از نیمه دوم قرن بیستم میلادی، علوم تجربی را به دو شاخه نظریه‌های علمی اثبات نشده و قانون‌های علمی اثبات شده تقسیم می‌کردند. و اگر نظریه علمی به وسیله مشاهده و تجربه‌های مکرر تأیید می‌شد آن را اثبات شده و قانون علمی می‌دانستند.<sup>85</sup>

اما پس از آن و با پیدایش نظریات جدید در فلسفه علم، روشن شد که علوم تجربی افسانه‌های مفیدی است که در صحنه طبیعت و زندگی کاربرد دارد اما هیچ گاه به صورت قانون در نمی‌آید. یعنی در تشکیل یک نظریه علمی نخست ما به مسأله و مشکلی برخورد می‌کنیم، و در مرحله دوم راه حلی برای آن حدس می‌زنیم. سپس در مرحله سوم قضایای قابل مشاهده و تجربه از آن راه حل استخراج می‌کنیم و در مرحله چهارم اقدام به ابطال این قضایا می‌کنیم. و اگر این قضایا باطل نشود، آن نظریه، تا هنگامی که نظریه بهتری پیدا و جایگزین آن نشود در علم باقی می‌ماند و مبنای عمل قرار می‌گیرد.<sup>86</sup>

بنابراین، علوم تجربی اثبات‌پذیر نیست بلکه ابطال‌پذیر است و در علم، قانون قطعی وجود ندارد. البته اینکه قضایای علوم تجربی قطعی نیست (به معنای قطع معرفت شناختی) بدین معناست که نمی‌توان گفت: فلان گزاره علمی حتماً مطابق واقع و تغییرناپذیر است؛ اما برخی از قضایای علوم تجربی قطعی‌اند (به معنای قطع روانشناختی) یعنی گاهی گزاره علمی از راه مشاهده یا به وسیله قرائن دیگر مثل بدیهی می‌گردد. همچون «حرکت زمین» که در عصر ما مثل بدیهی شده است. همان طور که گاهی انسان به وسیله قرائن خارجی یا دلایل عقلی که مطلب را پشتیبانی می‌کند، در مورد یک گزاره علمی به قطع می‌رسد.

در تفسیر علمی بین علوم تجربی قطعی و نظریه‌های ظنی علوم تجربی تفاوت گذاشته می‌شود. و استفاده از نوع دوم در تفسیر علمی قرآن صحیح نیست، چرا که نظریه‌های ظنی علوم گاهی صدها سال در حوزه علم می‌ماند سپس تغییر می‌کند،<sup>87</sup> پس نمی‌توان تفسیر قرآن را بر آن‌ها بنا نهاد.

ب - وجود اشارات علمی در قرآن و لزوم استفاده از علوم تجربی در فهم و تفسیر آنها

در قرآن کریم بیش از 1322 آیه وجود دارد که به مطالب علمی و طبیعت و انسان و... اشاره دارد. 88 که این آیات حداقل سه گانه است:

اول: اشارات علمی به پدیده‌های طبیعی مثل حیوانات و طبیعت. 89 که به ظاهر نکته شگفت‌انگیز یا اعجاز‌آمیز را در بر ندارد. ولی همین اشارات علمی توجه انسان را به طبیعت و کیهان و... جلب کرده و زمینه ساز پیشرفت علوم تجربی در جهان اسلام شده است.

دوم: اشارات شگفت‌انگیز علمی قرآن، یعنی آیاتی که به مطالب علمی ویژه‌ای اشاره می‌کند صدور آنها از یک فرد درس ناخوانده در محیط جزیره العرب در صدر اسلام بسیار بعید بوده است، برای مثال اشارات قرآن به حرکت زمین 90 که بر خلاف هیئت بطلمیوسی و دیدگاه مشهور کیهان‌شناسی در آن عصر بوده است.

البته اینگونه موارد اعجاز علمی قرآن به شمار نمی‌آید چرا که مثلاً در مورد حرکت زمین دیدگاه غیر مشهور در یونان قبل از اسلام وجود داشته است. 91

سوم: اشارات اعجاز‌آمیز علمی قرآن، یعنی گاهی قرآن کریم به زوجیت عام موجودات، 92 نیروی جاذبه، 93 حرکت‌های خورشید، 94 مراحل آفرینش انسان 95 و لقاح ابرها 96 اشاره کرده که تا قرن‌ها بعد از اسلام کسی از این حقایق علمی با خبر نبوده است، این اشارات نوعی رازگویی و اخبار غیبی قرآن به شمار می‌آید. تفسیر علمی قرآن شرحی بر همین اشارات علمی قرآن است.

ج - همه علوم از ظواهر آیات قرآن قابل استفاده نیست

هر چند که اشارات علمی زیادی در قرآن کریم وجود دارد، و حتی قرآن خود را بیان‌کننده همه چیز معرفی می‌کند، «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (نحل / 89) اما همه علوم بشری در ظواهر آن وجود ندارد چرا که چنین ادعائی خلاف بداهت است و آیه شریفه نیز قید لُبی دارد یعنی هر چیزی که در رابطه با هدایت بشر است در قرآن موجود است. 97

بنابراین همانطور که گذشت استخراج علوم از قرآن صحیح نیست چون مبنای آن «وجود همه علوم در ظواهر قرآن است» و این مبنا مخدوش است. 98

د - رابطه سازکارانه بین قرآن و علم

قرآن کریم بارها انسان‌ها را به دانش‌افزایی فرا خوانده است، و یا دانشمندان را تشویق و تمجید کرده است. 99 و همانطور که گذشت در موارد متعددی مطالب اعجاز‌آمیز یا شگفت‌آمیز علمی بیان کرده است، قرآن کریم هیچگاه سر ستیز با علم و عالمان راستین نداشته است بلکه رابطه قرآن و علم سازگارانه و مثبت است. و تفسیر علمی قرآن نوعی توضیح همین مبناست.

البته برخی تعارضات ظاهری و ابتدائی بین قرآن و علم ادعا یا توهم شده که با تأمل و دقت در آیات و علوم، بر طرف می‌شود، و تعارض مستقر و حقیقی بین قرآن و علم وجود ندارد. و همین مطلب نیز در ضمن تفسیر علمی روشن می‌شود.

ه - هدف اصلی قرآن هدایت مردم به سوی خداست  
در قرآن مکرر بیان شده که این کتاب برای هدایت مردم، 100 و خارج ساختن آنان از تاریکی‌ها به سوی نور است، 101 بنابراین اگر اشارات علمی در قرآن وجود دارد در همین راستاست یعنی اشارات علمی قرآن گاهی به عنوان نشانه‌های خدا 102 و گاهی به عنوان شواهد معاد 103 بیان شده است پس بیان مطالب علمی هدف اصلی قرآن نیست و قرآن کتاب کیهان‌شناسی و فیزیک و... نیست.

معیارهای برداشت علمی از قرآن:

در روش‌های تفسیری دو گونه شرایط و معیار وجود دارد: یک قسم، شرایط و معیارهایی عام که باید در تمام روش‌های تفسیری مراعات شود؛ و قسم دوم، شرایط و معیارهای خاصی که باید در هر روش تفسیر خاص رعایت گردد. در این جا هدف ما بیان شرایط و معیارهای قسم دوم است، اما برای یادآوری، به قسم اول نیز اشاره می‌کنیم.

الف) معیارهای عام در روش تفسیر قرآن

این معیارها شامل شرایط مفسّر و تفسیر می‌شود که ما آن‌ها را در دو دسته خلاصه می‌کنیم:

1 - تفسیر علمی توسط مفسّری صورت پذیرد که دارای شرایط لازم باشد؛ یعنی آشنایی با ادبیات عرب، آگاهی به شأن نزول آیه، آشنایی با تاریخ پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و صدر اسلام در حدودی که به آیه مربوط است، اطلاع از علوم قرآن؛ مانند ناسخ و منسوخ، مراجعه به احادیث و اصول فقه، آگاهی از بینش‌های فلسفی، علمی، اجتماعی و اخلاقی، پرهیز از هرگونه پیش داوری، تطبیق و تحمیل، آشنایی با تفسیر و عدم تقلید از مفسّران. 104

2 - معیارهای تفسیر معتبر در آن رعایت شده باشد؛ مانند: پیروی از روش صحیح تفسیر، عدم منافات تفسیر با سنت قطعی، پرهیز از پیش داوری غیر ضروری، عدم منافات تفسیر با آیات دیگر و حکم قطعی عقل و استفاده از منابع صحیح در تفسیر که لازم است این معیارها در تفسیر علمی نیز رعایت گردد. 105

3 - پرهیز از تفسیر به رأی و استقلال رأی در تفسیر قرآن؛ یعنی مفسّر باید قبل از تفسیر، به قرائن عقلی و نقلی مراجعه کرده و پس از در نظر گرفتن آن‌ها اقدام به تفسیر کند.

ب) معیارهای خاصّ روش تفسیر علمی قرآن

1 - تفسیر علمی به وسیله علوم تجربی قطعی صورت پذیرد.

در این مورد در مبحث علم، مقصود از قطعی بودن علوم تجربی را توضیح دادیم، و در این جا اضافه می‌کنیم که:

یک. اگر علوم تجربی یقینی و قطعی بود، می‌توان قرآن را بر اساس آن تفسیر کرد.

دو. اگر مطالب علوم تجربی به صورت نظریه‌های پذیرفته شده در علم باشد، می‌توان به صورت احتمالی بیان کرد که شاید این آیه اشاره به این مطلب علمی باشد. اما نمی‌توان به طور قطعی مطلبی را به قرآن نسبت داد؛ چرا که این علوم قطعی نیست.

سه. اگر مطالب علوم تجربی به صورت فرضیه‌های احتمالی در علم باشد و هنوز مورد پذیرش عام جامعه علمی قرار نگرفته و قطعی نیز نشده است، نمی‌توان قرآن را با آنها تفسیر کرد؛ 106 چرا که این فرضیه‌ها در معرض تغییر است و همان اشکالاتی را که مخالفان تفسیر علمی می‌کردند در پی دارد. 107

2 - دلالت ظاهر آیه قرآن بر مطالب علوم تجربی مورد، نظر روشن باشد و تحمیلی بر آیه صورت نگیرد؛ یعنی در تفسیر علمی باید تناسب ظاهر آیه با مسائل علمی مورد نظر رعایت شود، به طوری که معانی الفاظ و جملات آیه با مسائل علمی همخوان باشد و نیاز به تحمیل نظر بر آیه نباشد. به عبارت دیگر، در تفسیر علمی به نحوی عمل شود که نیاز به توجیه و تفسیرهای مخالف ظاهر پیدا نکنیم. 108

3 - استفاده از گونه صحیح تفسیر علمی؛ یعنی استخدام علوم در فهم علوم و تبیین و تفسیر قرآن، و پرهیز از گونه‌های ناصحیح همچون؛ استخراج علوم از قرآن و تطبیق و تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن.

تذکر 3: برخی از صاحب نظران معیارهای دیگری برای تفسیر علمی ذکر کرده‌اند از جمله:

- تفسیر آیات مطابق معنای نظم قرآن باشد.

- قرآن را در معرض نظریات علمی متضاد قرار ندهد.

- مفسّر در پی اثبات اشارات علمی قرآن به وسیله نظریات علمی باشد.

- آیات قرآن را اصل و محور تفسیر قرار دهد، (نه مطالب علمی را)

- مفسّر ملتزم به معانی لغوی عرب در آیات باشد.

- تفسیر علمی با مطالب شرعی مخالف نباشد.

- تفسیر علمی مطابق آیه باشد نه کمتر و نه زیادتر

- تألیف و تناسب آیات و وحدت موضوعی آنان رعایت گردد. 109

البته برخی از معیارهای فوق به نوعی به یکی از معیارهای سه گانه پیشین باز می‌گردد، و برخی دیگر، از شرایط عام تفسیر است.

#### امتیازات تفسیر علمی قرآن

1 - در قرآن کریم حدود 1332 آیه وجود دارد که به مطالب علمی اشاره دارد 110 و استخدام علوم در تفسیر قرآن موجب تبیین اشارات علمی قرآن شده، و ما را در تفسیر، تبیین و فهم بهتر آیات کمک می‌کند؛ برای مثال وقتی قرآن از زیان و منافع شراب سخن می‌گوید «قُلْ فِيهَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ» (بقره / 219) یافته‌های علوم پزشکی این آیه را توضیح می‌دهد و مقصود خدا را از منافع و مضار تبیین می‌کند، تفسیر روشنی از آیه در اختیار ما می‌گذارد.

بلکه گاهی تفسیر برخی آیات قرآن بدون کمک گرفتن از علوم جدید بسیار مشکل می‌شود. برای مثال: فهم و تفسیر آیات 12-14 سوره مؤمنون و آیه 5 سوره حج نیاز مبرم به استفاده از علوم پزشکی دارد. و همان طور که برای فهم لغات آیه از علم لغت استفاده می‌کنیم، برای فهم مراحل خلقت انسان نیز از علم جنین‌شناسی استفاده می‌کنیم.

2 - تفسیر علمی قرآن در برخی موارد می‌تواند اعجاز علمی قرآن را اثبات کند؛ 111 یعنی قرآن کریم چهارده قرن قبل مطلبی علمی را بیان کرده که برای انسان آن عصر کشف نشده بوده است و مردم از آوردن مثل آن عاجز بوده‌اند و اکنون پس از قرن‌ها به‌طور قطعی به وسیله علوم تجربی کشف گردیده است.

از این مطلب استفاده می‌شود که قرآن معجزه‌ای الهی است که نمی‌تواند کلام بشری باشد.

در مورد اعجاز علمی قرآن به آیاتی در مورد زوجیت عام موجودات (و زوجیت گیاهان)، 112 نیروی جاذبه، 113 حرکت خورشید، 114 فلسفه حرمت شراب خواری، 115 مراحل خلقت انسان، 116 لقاح ابرها و گیاهان 117 و... استدلال شده است. 118

آقای راترود ویلانت، نیز در این مورد می‌نویسد:

«هواداران تفسیر علمی در صدد اثبات این معنا هستند که قرآن چندین قرن نسبت به عالمان جهان غرب تقدم دارد چرا که مطالبی را در آن زمان متذکر شده که [پس از گذشت چند قرن] تازه عالمان غربی آنها را کشف می‌نمایند. اکثر شیفتگان تفسیر علمی این برتری زمانی قرآن در زمینه



معرفت علمی را به عنوان نمونه بارزی از اعجاز قرآن تلقی کرده و همواره در براهین و مجادلات علمی خود در برابر غرب بر این بعد اعجاز و تقلید ناپذیری قرآن تاکید می‌ورزند» 119

3 - تفسیر علمی قرآن سبب افزایش ایمان مردم مسلمان و گرایش غیر مسلمانان به قرآن و اسلام می‌شود؛ یعنی هنگامی که ثابت شد قرآن اشارات علمی دارد که قرن‌ها قبل از کشفیات علوم تجربی آنها را بیان کرده است، ایمان مسلمانان و به ویژه جوانان نسبت به صدق قرآن بیشتر می‌شود؛ همان طور که مخالفان قرآن در برابر آن سر تسلیم فرود می‌آورند و به عظمت آن اعتراف می‌کنند.

از این رو است که می‌بینیم برخی دانشمندان غربی، همچون «موریس بوکای» در کتاب «مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم» به بررسی مطالب علمی قرآن، تورات و انجیل پرداخته است و در موارد متعددی اعتراف می‌کند که تورات و انجیل با یافته‌های علوم تجربی مخالف است، اما قرآن مطالب مخالف علم ندارد، بلکه در این مورد مطالب اعجاز‌آمیزی بیان کرده است. 120

4 - نظریه‌پردازی‌های علمی قرآن: همانطور که قبلاً اشاره شد یکی از ثمرات برداشت‌های علمی از قرآن پدید آمدن نظریه‌های نو در زمینه علوم طبیعی - مثل وجود موجودات زنده در آسمان، (شوری 29) - و در زمینه علوم انسانی - مثل دیدگاه اقتصاد بدون ربا - است.

5 - جهت دهی به علوم انسانی: همانطور که قبلاً اشاره شد یکی از ثمرات برداشت‌های علمی از قرآن پیدایش مبانی جدید برای علوم انسانی است که موجب جهت‌دهی جدید به این علوم می‌گردد.

برای مثال: همانطور که قبلاً اشاره شد یکی از ثمرات برداشت‌های علمی از قرآن پیدایش مبانی جدید باری علوم انسانی است که موجب جهت‌دهی جدید به این علوم می‌گردد.

برای مثال: رعایت اصل اساسی عدالت در اقتصاد و توجه به اصل فقر زدایی در اقتصاد و مدیریت و نیز رعایت اخلاق اسلامی در مدیریت و نیز توجه به دو بعدی بودن شخصیت انسان (روح و جسم) در روانشناسی و با توجه به خدا محوری به جای انسان محوری (اومانیزم) علوم انسانی می‌تواند، مبانی جدیدی برای این علوم بوجود آورد و جهت‌دهی جدیدی به آنها بدهد به طوری که علوم انسانی جدیدی در جهان پدید آید.

#### آسیب‌های برداشت علمی از قرآن

1 - علوم تجربی، غالباً قطعی نیست و نظریات و تئوری‌های آن، متزلزل است و بعد از مدتی تغییر می‌یابد و اگر قرآن را با علوم متزلزل و غیر قطعی تفسیر کنیم؛ پس از مدتی که آن نظریه‌ها تغییر کرد، مردم در مورد بیانات قرآنی شک کرده و ایمان آن‌ها متزلزل می‌گردد؛ برای مثال، این که بعضی افراد قرآن را با هیئت بطلمیوسی تفسیر کردند و افلاک نه گانه را با آیات قرآن تطبیق نمودند و پس

از قرن‌ها آن نظریه باطل شد، موجب گردید تا بعضی گمان کنند علم هیئت جدیدی (کپرنیکی) با قرآن در تعارض است. 121

2 - تفسیر علمی در بسیاری موارد به تفسیر به رأی منجر می‌شود؛ زیرا افرادی که در صدد تفسیر علمی قرآن هستند، به دلایل متعددی که در ذیل می‌آید، به دام این مسأله گرفتار می‌آیند: الف) بعضی افراد تخصص کافی در قرآن و تفسیر آن ندارند و بدون داشتن شرایط یک مفسر، اقدام به تفسیر علمی قرآن می‌کنند و این، یکی از مواردی است که افراد به دام تفسیر به رأی می‌افتند.

ب) برخی افراد مغرض، ممکن است با استفاده از آیات ناظر به علوم مختلف، بخواهند نظریات خود را اثبات کنند که گاهی این نظریات، انحرافی و حتی الحادی است، ولی این کار را با استفاده از تفسیر علمی قرآن سامان می‌دهند که موجب تحمیل نظرات بر قرآن می‌شود که از مصادیق بارز تفسیر به رأی است؛ برای مثال، کسانی سعی می‌کنند حقایق غیبی و ماورای طبیعی قرآن را به مسائل محسوس ربط بدهند و تا آن جا پیش می‌روند که می‌گویند: منظور قرآن از ملائکه، همان میکرب هاست که جان انسان‌ها را می‌گیرد. 122 و یا در جای دیگر، قایل را حمل بر دو دوره جامعه بی طبقه و جامعه فئودالیزی (ارباب و رعیتی) می‌کنند، تا با مراحل تکامل جامعه در مکتب مارکسیسم مطابقت کند. 123

ج) برخی افراد می‌خواهند همه علوم را از قرآن استخراج کنند (همانطور که مورد غزالی گذشت) و در این رابطه هر مطلبی علمی را با قرآن تطبیق و گاهی تحمیل می‌کنند که موجب تفسیر به رأی می‌شود. در حالی که بیان شد مبنای این دیدگاه مخدوش است.

3 - تفسیر علمی قرآن گاهی به تأویل غیر جایز منتهی می‌شود؛ چنانچه بعضی افراد برای تفسیر علمی قرآن، از حدود ظواهر الفاظ و آیات می‌گذرند و هر کدام از آیات را که با یک نظریه، یا قانون علمی (که مورد نظر آنهاست) منافات و تعارض دارد، تأویل می‌کنند تا بتوانند آن نظریه را، به قرآن نسبت دهند. 124 به عبارت دیگر نظریه‌های اثبات نشده علمی را به قرآن تحمیل می‌کنند که نوعی تغییر به رأی است.

نمونه جالب این نوع تاویلات، در مورد نظریه تکامل انواع داروین صورت گرفته است. یک نفر، کتابی می‌نویسد با پیش فرض پذیرش نظریه تکامل و هر آیه‌ای که موافق نظریه تکامل است می‌آورد، سپس آیات مخالف را تأویل می‌کند بر خلاف ظاهر آیات، آن‌ها را با نظریه تکامل وفق می‌دهد و شخص دیگر، کتابی می‌نویسد با پیش فرض ردّ نظریه تکامل و آیات مخالف را می‌آورد، سپس آیات موافق نظریه تکامل را به نظر خود بر می‌گرداند و مرتکب تأویل می‌گردد؛ 125 و هر دو هم، نظر خود را به قرآن نسبت می‌دهند و گاهی بر آن اصرار می‌ورزند.

نمونه دیگر آن را در بحث «عرش» و «کرسی» و تأویل آن‌ها، به فلک هشتم و نهم می‌توان دید، چنانچه نمونه دیگر آن در تأویل قصه ابراهیم، حیات و مرگ جامعه‌ها در تفسیر المنار ملاحظه شد. 126 و شاید مقصود علامه طباطبایی نیز از «تطبيق» نامیدن تفسیر، همین تحمیل و تأویل آیات باشد. 127

4 - تفسیر علمی قرآن و آوردن مطالب علمی زیاد، در لابه‌لای تفسیر قرآن، موجب می‌شود که مقصد اصلی آن که تربیت، تزکیه انسان و هدایت اوست، فراموش گردد؛ چنانچه پاره‌ای از تفسیرهای جدید (مثل طنطاوی) این گونه عمل کرده‌اند؛ بر این اساس، بهتر است از تفسیر علمی قرآن، چشم پوشی کرده و مقاصد اصلی را در تفسیر ذکر کنیم. به عبارت دیگر، تفسیر علمی موجب سوء فهم، از ذات قرآن و وظیفه آن می‌شود (چون با بیان مطالب علمی قرآن، گاهی هدف اصلی آن که تربیت انسان است، فراموش می‌گردد) و گمان می‌شود که قرآن تنها برای بیان علوم آمده است. 128

5 - تفسیر علمی موجب می‌شود که حقایق قرآنی مجاز شود و بلاغت آن مخدوش شود؛ یعنی معانی اصلی خود را از دست بدهد (و قرآن بر اساس لغت عرب صدر اسلام معنا نشود؛ پس تفسیر علمی صحیح نیست. دکتر ذهبی در این مورد می‌نویسد: «از نظر لغوی تفسیر علمی معقول نیست؛ زیرا الفاظ در طول قرون و اعصار، معنایشان تغییر می‌کند و معانی لغوی، شرعی و اصطلاحی، پدید می‌آید و بسیاری از این معانی جدید است که در صدر اسلام نبوده است، با این حال آیا می‌تواند معقول باشد خداوند که با همان الفاظ، این معانی را که نسل‌ها بعد، پیدا شده اراده کرده باشد؟ این مطلب را کسی قبول نمی‌کند، مگر آن که عقل خود را انکار کند.» 129

آری اگر تفسیر علمی را بپذیریم، بلاغت قرآن، مخدوش می‌شود؛ زیرا بلاغت عبارت از مطابقت کلام با مقتضای حال است؛ در حالی که طبق تفسیر علمی باید بگوییم که خداوند، معانی و مفاهیمی را که از الفاظ قرآن، اراده کرده، عرب‌ها به آن معانی جاهل بوده‌اند و این موجب می‌شود که یکی از خصایص مهم قرآن (بلاغت و مراعات حال مخاطب را) از آن سلب کنیم. 130

البته همانطور که در بیان دیدگاه‌های موافقان و قائلان به تفصیل علمی گذشت، این آسیب‌ها قابل پیشگیری است، چون اکثر اشکالات به دو گونه «استخراج علوم از فهم قرآن و تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن» وارد می‌شود، بنابراین اگر مفسر قرآن از گونه استخدام علوم قطعی تجربی در فهم قرآن استفاده کند، اکثر اشکالات و آسیب‌های فوق بر طرف می‌شود و همانطور که گذشت تفسیر علمی مبانی و معیارهایی دار که لازم است مفسر قرآن آنها را رعایت کند، که اگر بر طبق آنها تفسیر علمی صورت گیرد، برخی دیگر از آسیب‌ها بر طرف می‌شود.

به عبارت دیگر استفاده از علوم قطعی تجربی، آسیب اول را بر طرف می‌سازد، و تفسیر علمی توسط مفسر دارای شرایط و استفاده از گونه صحیح تفسیر علمی آسیب دوم و سوم را برطرف می‌سازد، و رعایت اعتدال در استفاده از روش تفسیر علمی، آسیب چهارم را برطرف می‌سازد. البته سوء استفاده از روش‌های تفسیری یا افراط و تفریط برخی مفسران در مورد روش خاص تفسیری مخصوص تفسیر علمی نیست و این آسیب کم و بیش در بقیه روش‌های تفسیری نیز وجود دارد که با رعایت اعتدال و ضوابط تفسیر و مفسر، مشکل بر طرف یا کمتر می‌شود. در هر صورت تفسیر علمی خلاف بلاغت قرآن نیست و موجب مجاز نمی‌شود چرا که قرآن برای یک زمان و مردم خاص نازل نشده است و الفاظ و مفاهیم قرآنی در هر عصری مصادیق جدیدی پیدا می‌کند مثل واژه «عمد» در آیه «رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا» (رعد 2) که به معنای ستون‌هاست ولی در طول زمان مصادیق متعددی مثل ستون خیمه و ستون‌های فولادی و نیروهای ستون مانند مثل نیروی جاذبه پیدا کرده است. بنابراین کشف مصادیق جدید آیات و تبیین‌های جدید دلیل عظمت قرآن و اوج بلاغت آن است که محصور در زندان زمان نیست. البته ممکن است برخی افراد بر خلاف معنای لغوی مطالب را بر قرآن تحمیل کنند که این خلاف لغت و بلاغت خواهد بود.

#### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از مجموع مطالبی که گذشت روشن شد که تفسیر علمی یکی از روش‌های تفسیر قرآن است که استفاده از آن برای فهم و تفسیر آیات علمی قرآن ضروری است، این روش تفسیری گونه‌های متعددی دارد که استخراج علوم از قرآن و تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن صحیح نیست چون منتهی به تفسیر به رأی می‌شود ولی استخدام علوم در فهم و تفسیر قرآن صحیح است، در ضمن روشن شد که تفسیر علمی امتیازات خاصی همچون فهم بهتر آیات علمی قرآن و اثبات اعجاز علمی را دارد ولی آسیب‌هایی نیز داشته است که اگر آن معیارهای آن رعایت شود و از گونه صحیح تفسیر علمی (استخدام علوم قطعی تجربی در فهم قرآن) استفاده شود غالب آسیب‌ها برطرف شود.

1 - نک: راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، تاج العروس، ماده فسر و طباطبائی، محمد حسین، المیزان، 1/4، سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، 2/192، طبرسی، مجمع البیان، 1/13 و ...

2 - EXPERIMENTAL SCIENCES

3 - NATURAL SCIENCES

4 - HUMANITIES

5 - التفسیر و المفسرون، 2/474.

6 - ذهبی، مناہج تجدید، امین الخولی 287/؛ همین تعریف را سید محمد ایازی در المفسرون حیاتهم و منهجهم، ص 93 آورده است.

7 - Robert Raudwielandt, Exegesis of the Qur'an: Early Modern and Contemporary. In Encyclopaedia of the Qur'an v:2, PP:124-141

8 - اصول التفسیر و قواعد، عبدالرحمن العک، ص 217.

9 - اتجاهات التفسیر فی القرآن الرابع عشر، 2/549.

10 - رفیعی محمدی، ناصر، تفسیر علمی قرآن، 1/140.

11 - برای توضیح بیشتر نک: در آمدی بر تفسیر علمی قرآن، از نگارنده، ص 274 و ص 378.

17 - 12 نفر مرد و تعداد اندکی زن سواد خواندن و نوشتن داشتند. (فتوح البلدان، 3/580).

13 - بقره 23/.

14 - رعد 2/ به بعد؛ یس 38/ به بعد و ...

15 - جرجی زیدان، تاریخ التمدن الاسلامی، 2/153.

16 - البتّه در برخی احادیث اهل بیت علیه السلام نیز نکات علمی در تفسیر آیات قرآن آمده است. مثلاً در مورد تعداد 360 مشرق و مغرب در معارج 40/ (معانی الاخبار، شیخ صدوق، ص 221) و نام سیارات در تکویر 15-16/ (مجمع البیان، 1/677) و ... که یکی از موارد تفسیری اهل بیت علیهم السلام به شمار می آید، ولی تفسیر علمی مصطلح نیست چون از یافته های علمی در تفسیر قرآن استفاده نشده است، بلکه اهل بیت علیهم السلام اسرار علمی آیه را با کمک علم امامت بیان کرده اند که این جزئی از تفسیر روایی می شود.

17 - نک: ادامه همین مقاله، مبحث تاریخچه تفسیر علمی.

18 - نک: ادامه همین مقاله، تاریخچه تفسیر علمی.

19 - آقای راترود ویلاننت، در مقاله تفسیر قرآن در دوره جدید و معاصر، به نمونه هایی از این موارد در تفسیرهای سید احمد خان هندی اشاره می کند که موجب تأویل و انکار معجزاتی مثل

- معراج قیامت و تفسیر «جن» به افراد بدوی جنگل نشین شد. (دائرة المعارف قرآن لیدن، همان) و نیز جن به میکرب تفسیر گردید. (محمد عبده، تفسیر عم جزء، ص 158).
- 20 - نک: المیزان، 7-1/8.
- 21 - نک: رسائل ابن سینا، ص 124-125 چاپ هند 1908؛ التفسیر و المفسرون، دکتر ذهبی، 2/426.
- 22 - غزالی، احیاء علوم دین، 1/289 (باب رابع از ابواب آداب تلاوت قرآن).
- 23 - غزالی، جواهر القرآن، فصل پنجم، ص 25.
- 24 - فخر رازی، مفاتیح الغیب، 2/94.
- 25 - نک: التفسیر و المفسرون، دکتر ذهبی، 2/182-478 و التفسیر العلمی للقرآن، احمد عمر ابوحجر، ص 159.
- 26 - البرهان فی علوم القرآن، 2/181.
- 27 - نک: الاتقان، 2/282-271 و الاکلیل فی استنباط التنزیل، ص 2.
- 28 - در این مقطع زمانی ابواسحاق شاطبی (م 790 ق) زندگی می‌کرده که از مخالفان تفسیر علمی شمرده شده است. دیدگاه‌های او در بخش مخالفان تفسیر علمی ذکر خواهد شد.
- 29 - مجلسی، باقر، بحار الانوار، 57/5.
- 30 - صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم، 2/293-289.
- 31 - شرح منظومه، ص 269 (قسمت فلسفه).
- 32 - کواکبی، سید عبدالرحمن، طبایع الاستبداد و مصارع الاستعباد ص 43-46.
- 33 - خرمشاهی، بهاء الدین، تفسیر و تفاسیر جدید، صص 59-71؛ تاریخ نهضت‌های دینی، اسلامی معاصر، ص 143-146.
- 34 - بقره 72-67.
- 35 - طنطاوی، الجواهر فی تفسیر القرآن، 1/89-84.
- 36 - شهرستانی، اسلام و هیئت، ترجمه خرمشاهی، ص 110.
- 37 - همان.
- 38 - کلام ایشان در تعریف تفسیر علمی گذشت. (نک: المیزان، 1/7).
- 39 - ما در کتاب «پژوهشی در اعجاز علمی قرآن» (انتشارات کتاب مبین، 1380 ش) که در دو مجلد چاپ شد ادعاهای اعجاز علمی را در حدود 300 آیه قرآن مورد بررسی قرار دادیم و شش مورد را پذیرفتیم و بقیه را رد کردیم.
- 40 - مثال‌ها و نمونه‌های آنان گذشت.

- 41 - نمونه‌های مطالب این افراد گذشت.
- 42 - القرآن و العلم الحديث، ص 156.
- 43 - المنار، 2/458.
- 44 - همان، 1/55.
- 45 - کلام ایشان در تعریف تفسیر علمی گذشت (نک: المیزان، 1/7).
- 46 - التفسیر و المفسرون، 2/458، به نقل از الموافقات، 69-2/76 (با تلخیص).
- 47 - همان منبع، ص 488 (با تلخیص).
- 48 - همان منبع، ص 489.
- 49 - شماره‌های 407 و 408، مجله الرساله، سال 1941 میلادی به نقل از التفسیر العلمی فی المیزان، ص 299-302، تألیف احمد عمر ابو حجر (چاپ دار القتیبه).
- 50 - التفسیر و المفسرون، 2/494-491، چاپ دوم، سال 1976 م (چاپ دار الکتب الحديث، با تلخیص، ترجمه و تصرف در عبارات).
- 51 - التفسیر العلمی فی المیزان، ص 297 به بعد.
- 52 - سید قطب، فی ظلال القرآن، 1/260.
- 53 - نک: فی ظلال القرآن، 1/263-261.
- 54 - عبدالعزيز، اسماعیل، الاسلام و الطب الحديث، با مقدمه شیخ مراغی، ص 5، به نقل از التفسیر و المفسرون، 2/519.
- 55 - الدروس الدینیة، ص 61-64، نقل از التفسیر العلمی فی المیزان، ص 231.
- 56 - التفسیر العلمی فی المیزان، ص 113 (چاپ اول 1991 م 1411 قمری، دار القتیبه، بیروت).
- 57 - همان منبع، ص 118.
- 58 - المیزان، 7-1/8، با تلخیص و ترجمه
- 59 - المیزان، 14/279 (چاپ اسماعیلیان).
- 60 - المیزان، 18/382.
- 61 - تفسیر نمونه، 15/568\_ 12/275\_ 11/410\_ 1/131.
- 62 - مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر به رأی، ص 69-79.
- 63 - مجله پیام قرآن، پیش شماره، ص 48 (انتشارات دارالقرآن کریم قم).
- 64 - التمهید، 6/31 به بعد.
- 65 - درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، ص 340.
- 66 - سبحانی، جعفر، تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن، تنظیم سید هادی خسروشاهی، ص 315.

- 67 - برهان رسالت، ص 253-283 (چاپ انتشارات کتابخانه صدر تهران 1398 ه.ق).
- 68 - دیدگاه‌های این گروه در مبحث تاریخچه گذشت.
- 69 - ابوحامد غزالی، جواهر القرآن، ص 27، فصل پنجم.
- 70 - التفسیر و المفسرون، 2/481؛ به نقل از ابن ابی الفضل مرسی.
- 71 - البرهان فی علوم القرآن، 2، ص 181-182.
- 72 - ر.ک: التفسیر و المفسرون، 2، ص 454 تا 495.
- 73 - عبدالرزاق نوفل، القرآن و العلم الحدیث، ص 156.
- 74 - ر.ک: مقدمه تفسیر المیزان، 1/6 به بعد.
- 75 - دکتر اریک - اوبلاکر، فیزیک نوین، ترجمه بهروز بیضایی، ص 45-48.
- 76 - همان، ص 45-48.
- 77 - برای اطلاع از مثال‌های بیشتر: نک: رضائی اصفهانی، محمد علی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن و درآمدی بر تفسیر علمی قرآن.
- 78 - نک: تفاسیر قرآن ذیل آیه 29/ شوری مثل نمونه، الجواهر الطنطاوی و قرآن و علم امروز، عبدالغنی الخطیب.
- 79 - نک: تاریخچه زمان، استفن هاوکینگ، ترجمه داد فرما، ص 58.
- 80 - نک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمد علی رضائی اصفهانی، 1/142 به بعد.
- 81 - نک: رازهای آسمان‌های هفت گانه، ایمان مرادی، هفت آسمان، محمد باقر بهبودی و پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمد علی رضائی اصفهانی، 1/126 به بعد.
- 82 - نک: خلقت انسان، یدالله سبحانی در اثبات تکامل، و نظریه تکامل از دیدگاه قرآن از مسیح مهاجری در ردّ تکامل.
- 83 - نک: تکامل در قرآن، علی مشکینی؛ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمد علی رضائی اصفهانی، جلد دوم و...
- 84 - در این موارد نک: قرآن و روانشناسی، محمد عثمان نجاتی، مبانی اقتصاد اسلامی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، نظام سیاسی اسلام، نوروزی، مدیریت اسلامی، محمد حسن نبوی و...
- 85 - در این مورد اشکالات متعددی به نحوه استقرار ناقص علوم شده است و پاسخ‌هایی نیز داده شده است. (نک: مبانی فلسفه، دکتر علی اکبر سیاسی، ص 210-244؛ علم و دین، ایان باربور، ترجمه خرمشاهی، ص 3 و ص 213-214؛ الاسس المنطقیه للإستقراء، شهید صدر، ص 135 و ص 383-400؛ درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، نگارنده، ص 185-200).



- 86 - این دیدگاه پوپر (متوفی - 1373 ش) است، نک: حدسها و ابطالها و منطق اکتشافات، تألیف پوپر، ترجمه احمد آرام؛ درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، از نگارنده، ص 200-204.
- 87 - همچون نظریه بطلمیوسی (pt oenaios - قرن دوم میلادی) در مورد این که زمین مرکز جهان است و خورشید و ستارگان در هفت فلک به دور آن می‌چرخند. این نظریه حدود چهارده قرن بر فکر بشر سایه افکنده بود. سپس توسط کپلر و کپرنیک و گالیله دگرگون شد و دیدگاه کنونی (یعنی حرکت زمین به دور خورشید) جای آن را گرفت.
- 88 - الحبال، محمد جمیل و مقداد مرعی الجواری، العلوم فی القرآن، ص 35-36.
- 89 - نک: غاشیه 17/ و نحل 5/14 و...
- 90 - نحل 89/.
- 91 - اولین بار فیثاغورث سپس فلوته خوس و ارشمیدس به حرکت زمین معتقد شدند (شهرستانی، سید هبة الدین، اسلام و هیئت، ص 44).
- 92 - یس 36/.
- 93 - رعد 2/ و لقمان 10/.
- 94 - یس 38/.
- 95 - حج 5/، مومنون 12-14/.
- 96 - حجر 22/.
- 97 - برخی از مفسران تصریح کرده‌اند که مقصود آیه 89/نحل بیان مسائل هدایتی است از جمله: المیزان، 14/325؛ مجمع البیان، 4/298؛ کشاف، 2/21 و 31/.
- 98 - در این مورد ذیل مباحث آینده همین مقاله مطالب تکمیلی بیان می‌شود.
- 99 - زمر 9/، فاطر 28/، مجادله 11/ و...
- 100 - نک: بقره 2/ و 97 و 185، آل عمران 138/، اعراف 203/، یونس 57/ و...
- 101 - ابراهیم 1/.
- 102 - نک: رعد 2-4/.
- 103 - نک: حج 5/.
- 104 - ر.ک: سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، و نگارنده، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، ص 53-74.
- 105 - همان.
- 106 - در قضایای علمی چند احتمال وجود دارد:

الف) قضیه علمی که یقین مطابق واقع می‌آورد؛ چرا که تجربه علمی همراه با دلیل عقلی است (و به مرحله بداهت رسیده باشد).

ب) قضیه علمی یقین به معنای اعم می‌آورد؛ یعنی اطمینان حاصل می‌شود، ولی احتمال طرف مقابل به صفر نمی‌رسد، چنانچه بیشتر فضاییای اثبات شده علوم تجربی این گونه است.

ج) قضیه علمی، به صورت تئوری یا نظریه ظنی باشد که هنوز به مرحله اثبات نرسیده است. بنابراین در صورت نخست (الف) تفسیر علمی جایز است؛ زیرا قرآن و علم قطعی (که به قطع عقلی بر می‌گردد) تعارضی ندارد، بلکه قرائن قطعی «نقلی، عقلی و عملی» برای تفسیر قرآن لازم است. بنابراین، در صورت دوم (ب) تفسیر علمی، اگر به صورت احتمال ذکر شود، صحیح به نظر می‌رسد. برای مثال گفته شود: چون ظاهر قرآن، با حرکت انتقالی خورشید، مطابق است به احتمال قوی منظور قرآن، همین حرکت است. و در صورت سوم (ج) هم تفسیر علمی صحیح است؛ زیرا همان اشکالاتی را پدید می‌آورد که مخالفان تفسیر علمی می‌گفتند؛ مانند انطباق قرآن با علوم متغیر، شک کردن مردم در صحت قرآن و...

107 - مضمون این معیار را آیت الله مکارم شیرازی در کتاب قرآن و آخرین پیامبر، ص 147 آورده‌اند و در کلمات بسیاری از قائلان به تفسیر هم وجود داشت.

108 - همان. و نیز عبدالرحمن العک، اصول التفسیر و قواعد، ص 224؛ عمید زنجانی، مبانی و روش تفسیر قرآن، ص 256.

109 - عبدالرحمن العک، اصول التفسیر و قواعد، ص 224.

110 - الحبال، محمد جمیل و مقداد مرعی الجواری، العلوم فی القرآن، ص 35-36.

111 - نک: معرفت، محمد هادی، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، 2/443.

112 - یس /36.

113 - رعد /2؛ لقمان /10.

114 - یس /38.

115 - بقره /219.

116 - حج /5؛ مؤمنون /12-14.

117 - حجر /22.

118 - نک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، از نگارنده.

119 - راترود ویلانت، مقاله «تفسیر قرآن در دوره جدید و معاصر»، دائرة المعارف قرآن لیدن (پیشین)

021 - Maurice Bucaille The Bible the Quran and Science. این کتاب چند

بار به فارسی و به عربی ترجمه شده است. نام ترجمه‌های فارسی و عربی آن به این قرار است:

- حبیبی، حسین، عهدین، قرن و علم، انتشارات سلمان، 1357

- دبیر، ذبیح الله، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل و قرآن و علم، انتشارات فرهنگی و اسلامی،

1365؛

- التوراة و الانجیل و القرآن و العلم الحديث؛

- دراسة الكتب المدرسة في ضوء المعارف الحديثه.

121 - ذهبی، التفسیر و المفسرون، 491-2/194.

122 - دروس سنن کائنات، 451، به نقل از التفسیر العلمی فی المیزان، احمد عمر ابوالحجر، ص

228.

123 - ناصر مکارم شیرازی، تفسیر به رأی، ص 78.

124 - البته این گونه تأویل‌های غیر جایز، تحمیل بر قرآن و نوعی تفسیر به رأی است.

125 - برای اطلاع بیشتر، ر.ک: مسیح مهاجری، نظریه تکامل از دیدگاه قرآن؛ علی مشکینی،

تکامل در قرآن؛ یدالله سبحانی، خلقت انسان در بیان قرآن.

126 - مبحث دیدگاه‌ها به نظریه بوعلی سینا، علامه مجلسی و رشید رضا در المنار، مراجعه شود.

127 - المیزان، 1/6.

128 - فی ظلال القرآن، 261-1/263 (با تصرّف در عبارات).

129 - التفسیر و المفسرون، 491-2/494 (با تخلیص و تصرّف در عبارات)

130 - همان.